
پست مدرنیسم

گلن وارد

مترجمان
قادر فخر رنجبری
ابوذر کرمی



نسترمایه

تهران

۱۳۹۶

| | |
|---|----|
| پیش‌گفتار | |
| اهداف کتاب | ۹ |
| نحوه‌ی استفاده از کتاب | ۱۰ |
| ۱ پست‌مدرنیسم‌ها | |
| پست‌مدرنیسم همه‌جا هست | ۱۴ |
| دوران تکوین | ۱۷ |
| مدرنیت و عصر روشنگری | ۲۰ |
| مدرنیت و مدرنیسم | ۲۳ |
| نتیجه‌گیری | ۲۶ |
| ۲ مباحثی در فرهنگ روشنفکرانه و عوامانه | |
| بخش اول: معماری و ادبیات | |
| معماری مدرنیستی | ۳۳ |
| رمزگذاری متکثر | ۳۶ |
| کارکرد معماری پست‌مدرن | ۳۷ |
| نگاهی به لاس‌وگاس | ۴۲ |
| ادبیات: فاصله را پر کنید | ۴۴ |
| ۳ مباحثی در فرهنگ روشنفکرانه و عوامانه | |
| بخش دوم: هنر تجسمی | |
| همه چیز را نو کنید! | ۵۸ |
| بازی در میان ویرانه‌ها: تاریخچه‌ی | |
| کوتاهی از پست‌مدرنیسم در دنیای | |
| هنر | ۵۹ |
| مدرنیسم و استقلال | ۶۴ |

| | |
|--------------------------------------|-----|
| پست‌مدرنیستی به نام اندی وار هول ... | ۶۹ |
| آیا دنیای هنر مورد نظر آنها به پایان | |
| رسیده است؟ | ۷۲ |
| خلاصه | ۷۸ |
| ۴ فقدان واقعیت | |
| تلویزیون | ۸۲ |
| به سیاره‌ی بودریار خوش آمدید | ۹۱ |
| تصاویر در دنیای شناور | ۹۵ |
| خلاصه | ۱۰۹ |
| تأثیرات، مقایسه‌ها و گفت‌وگوها | ۱۱۰ |
| ۵ شالوده‌شکنی معنا | |
| سوسور | ۱۲۴ |
| ساختارگراییان در عمل | ۱۲۸ |
| پساساختارگرایی | ۱۳۲ |
| پساساختارگراییان در عمل | ۱۳۴ |
| شالوده‌شکنی تقابل‌ها | ۱۴۴ |
| نتیجه‌گیری | ۱۴۷ |
| نوشتار | ۱۴۷ |
| تاریخ‌گرایی جدید: رویکردی | |
| پست‌مدرن به تاریخ | ۱۵۰ |
| شالوده‌شکنی و معماری | ۱۵۲ |
| اندیشه‌های پایانی | ۱۵۶ |

| | |
|---------------------------------------|-----|
| ۶ هویت‌های پست‌مدرن | |
| بخش اول: دگرگونی «خود» | |
| طبیعت متغیر 'خود' | ۱۶۰ |
| سبک‌زدگی زندگی | ۱۶۳ |
| هویت در شهر | ۱۶۶ |
| افراد مجازی | ۱۶۹ |
| آیا انقلاب جنسی دیگری در راه است؟ | ۱۷۲ |
| مدونا: شما هیچ وقت من واقعی را | |
| نخواهید شناخت | ۱۷۵ |
| هویت در مقام شالوده | ۱۸۲ |
| خلاصه | ۱۸۵ |
| ۷ هویت‌های پست‌مدرن | |
| بخش دوم: نظریه‌های سوپزکتیویته | |
| میشل فوکو: ابداع انسان | ۱۹۰ |
| واما سکس | ۱۹۳ |
| خلاصه | ۱۹۷ |
| 'خود' شالوده‌شکنی شده: ژاک لاکان | ۱۹۷ |
| آیا وضعیت پست‌مدرن شیذوفرنیک | |
| است؟ | ۲۰۶ |
| خلاصه | ۲۰۷ |
| داستان بیان | ۲۰۹ |
| رمانتیک‌های نو، رمانتیک‌های کهنه | ۲۱۲ |
| مرگ مؤلف | ۲۱۳ |

| | |
|------------------------------------|-----|
| خلاصه | ۲۲۱ |
| ۸ سیاست پست‌مدرن | |
| لیونار: وقتی دنیاها با هم برخورد | |
| می‌کنند | ۲۲۵ |
| تحول مارکسیسم | ۲۲۹ |
| خرده‌سیاست پست‌مدرن | ۲۳۱ |
| شیوه‌های زندگی روزمره | ۲۳۳ |
| نقدهای پسامارکسیسم | ۲۳۵ |
| پست‌مدرنیسم، حقیقت و تاریخ | ۲۳۹ |
| فضای پست‌مدرن | ۲۴۱ |
| نظریه‌پردازی شهر | ۲۴۸ |
| فرهنگ بومی در مقابل فرهنگ جهانی | ۲۵۰ |
| نامکان‌ها | ۲۵۲ |
| پسااستعمارگری | ۲۵۵ |
| آیا پست‌مدرنیسم یعنی بی‌اعتقادی به | |
| همه چیز؟ برخی مسائل نسبی‌گرایی | |
| فرهنگی | ۲۶۰ |
| کلام آخر | ۲۶۴ |
| گاهشمار | ۲۶۷ |
| واژه‌نامه‌ی توصیفی | ۲۷۵ |
| منابع پیشنهادی | |
| کتاب‌ها | ۲۹۱ |
| سایت‌های اینترنتی | ۲۹۹ |

پست مدرنیسم همه جا هست

با این که از زمان رواج اصطلاح پست مدرنیسم سه دهه می‌گذرد اما نحوه‌ی گسترش آن در عرصه‌ی فرهنگ سرگذشتی نسبتاً پیچیده دارد. صرف نظر از این که این اصطلاح قبلاً چند بار به صورت پراکنده به کار رفته بود (که در ادامه‌ی این فصل به برخی از آنها می‌پردازیم) پست مدرنیسم عمدتاً به عنوان مقوله‌ای دانشگاهی و مرتبط با تحولات خاصی در عرصه‌ی ادبیات و علوم انسانی آغاز شد اما خیلی زود به اصطلاحی توصیفی برای انواع تغییرات مطرح شده در عرصه فرهنگ و جامعه‌ی معاصر تبدیل شد. به عنوان مثال، یک استدلال این بود که مردم دیگر به پیشرفت تکنولوژیک اعتقادی ندارند و از آنجایی که اعتقاد به پیشرفت تکنولوژیک به یک دوره‌ی مشخص تاریخی 'مدرنیستی' تعلق دارد، تصور بر این بود که اصطلاح 'پست مدرنیسم' می‌تواند عصر جدید ما را، که عصر سرخوردگی و ناامیدی است، به نحو شایسته‌ای توصیف کند. در هر حال، پست مدرنیسم تا اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ به شکلی در آمد که بعضی مواقع می‌شد آن را به عنوان اصطلاحی مبهم و کلی برای هر چیز به کار برد.

تا اواسط دهه‌ی هشتاد، پست مدرنیسم اغلب در بسیاری از حوزه‌ها (مانند معماری، سیاست یا ادبیات) در برنامه‌های هنری رادیو، ساعت‌های 'فرهنگی' آخر شب تلویزیون و ضمیمه‌های مردم‌پسند روزنامه‌های یکشنبه بحث و بررسی می‌شد. آنچه در این مباحث مطرح می‌شد غالباً تلاش برای یافتن معنای احتمالی واژه‌ای همچون پست مدرنیسم یا رد کردن صریح آن بود. طرفداران دیدگاه دوم بر این عقیده بودند که پست مدرنیسم شعار روز دهن‌پرکنی است که تاریخ مصرف آن به زودی به پایان خواهد رسید.

امروزه سیل کتاب‌هایی که در مورد پست مدرنیسم نوشته می‌شود کاهش چشمگیری یافته و بحث‌های داغ و احساساتی جای خود را به ارزیابی و سنجش خردمندانه داده است. در برخی حوزه‌ها (مثلاً در دنیای هنر)، به نظر می‌آید این واژه، البته نه ضرورتاً، و مباحثی که به آن ارتباط دارد، رفته‌رفته آگاهانه به دست فراموشی سپرده می‌شود، در حالی که مباحث نظریه‌ی پست مدرن در دنیای غرب با رشته‌های علوم انسانی کاملاً تنیده و تلفیق شده است.

بنابراین با کمی اغراق می‌توان گفت که پست مدرنیسم بر این نکته تأکید دارد که به

بخشی از گفت‌وگوی روزمره تبدیل شده است. در نتیجه، بررسی دقیق آن چه بسا خالی از فایده نباشد. این کتاب راهنمایی برای تحقق این امر است.

معانی چندگانه

می‌توان روانکاوی خواند و بنیانگذار آن، زیگموند فروید، را شناخت و مفاهیم اساسی روش روانکاوی را توصیف کرد، اما در مورد پست مدرنیسم کار به این سادگی‌ها نیست. پست مدرنیسم به معنای دقیق کلمه یک مکتب فکری نیست؛ جنبش فکری یکپارچه‌ای هم نیست که هدف یا زاویه دید مشخصی داشته باشد و نظریه‌پرداز یا سخنگوی واحدی نیز ندارد.

این امر ناشی از آن است که تقریباً همه‌ی رشته‌ها، از فلسفه و مطالعات فرهنگی گرفته تا جغرافی و تاریخ هنر، آرائی در زمینه‌ی پست مدرنیسم مطرح کرده‌اند. در هر حوزه، کتاب‌ها و نشریات ادواری با زاویه‌ی دید خاصی در مورد پست مدرنیسم منتشر شده‌اند و هر یک از این حوزه‌ها آن را به شیوه‌ی خود تعریف کرده‌اند. خلاصه این که، پست مدرنیسم به سرعت فراگیر شده است. با در نظر گرفتن کثرت رشته‌ها و ارجاعات پست مدرنیسم، معانی آن زیاد شده و همه‌ی اینها به طور کلی به جای روشن کردن آن، ماهیتش را مبهم‌تر کرده‌اند. مشکل از اینجا ناشی می‌شود که معنای پست مدرنیسم در یک حوزه لزوماً با معنای آن در حوزه‌ی دیگر همخوانی و سازگاری ندارد.

بنابراین در حال حاضر پست مدرنیسم مفهومی است پیچیده و مشکل؛ آن قدر که حقیقتاً چندین پست مدرنیسم وجود دارد و یا، حداقل، دیدگاه‌های متنوعی در این زمینه وجود دارد. عجیب این که پست مدرنیسم از یک طرف در فرهنگ عامه (پسند)^۱ به چشم می‌خورد و از طرف دیگر در مجلات و کتب دانشگاهی، موضوعی بحث‌انگیز است. برخی از حوزه‌ها از پست مدرنیسم خسته شده‌اند، و به دنبال جایگزین‌هایی برای آن هستند. برخی نیز تازه به آن عادت می‌کنند. در بعضی حوزه‌ها، پست مدرنیسم میانبری کاملاً تثبیت شده برای طیفی از تغییرات اجتماعی و فرهنگی است. در عین حال، برخی حوزه‌ها همچنان درباره‌ی سودمندی پست مدرنیسم تردید دارند.